



آثار حقوقی مترتب بر خنثی روانی از منظر فقه اسلامی حقوق موضوعه ایران

حمید جوکار

دانشجوی کارشناسی ارشد گروه حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی کازرون، کازرون، ایران

چکیده

در پژوهش در مقاله پیش رو به بحث ترنس سکشوالها پرداخته شده که در فقه اسلامی خنثی روانی نامیده شده است در این تحقیق تحلیلی توصیفی ابتدا ماهیت تغییر جنسیت و سپس به تقسیم بندی آن یعنی خنثی، خنثی مشکل و خنثی روانی که به اختصار هر سه رو تشریح نموده و به موضوع اصلی این تحقیق که آثار حقوقی مترتب بر خنثی روانی در فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران است پرداخته شده است. از آنجا که در کشورهای اروپایی از مرکب بدبینی و نگاه تحقیرآمیز به این قشر از جامعه، پیاده شده و با وضع قوانین مناسب ملموس بودن، مشکل این افراد را حس کرده و در ارتفاع معضل ترنسها چه از لحاظ فردی و چه از لحاظ اجتماعی مساعی قابل توجهی صورت گرفته اشاره شده، و در ادامه با بررسی آثار توجه و عدم توجه به این افراد به چالش اصلی تحقیق سفر کرده و در ادامه با اشاره به تحقیقات صورت گرفته در زمینه ترنس سکشوالها موجه نمودن اقدام تقنین مناسب در این زمینه را ضروری دانسته و با توجه به اسلامی بودن کشور جمهوری اسلامی ایران که داعیه جامعیت و کاملیت دین اسلام را یدک می کشد شایسته نیست موضوعی در قلمرو حکومت اسلامی ایران بلامتکلیف بماند. و همچنین دراستفاده از فقها نظرات مختلف صادر شده که عده ای در عدم مشروعیت و عده ای نیز در مشروعیت ان نظر داده اند.

واژگان کلیدی: خنثی روانی؛ اختلالات جنسی؛ نکاح؛ ضرورت؛ حرمت؛ مشروعیت



۱- مقدمه

امروزه در عرصه جهانی تمام کشورها سعی بر این دارن هیچ حقوقی چه از نظر اجتماعی و چه از نظر فردی در بحث قانونگذاری مغفول نماند. از آنجایی که خداوند تمام موجودات را در دو جنس مخالف آفریده است و فلسفه ان نیز حفظ نسل است و این مهم با امر ازدواج زن و مرد محقق خواهد شد کاملاً در بحث ازدواج تعیین جنسیت یک امر اجتناب ناپذیر است. و در رهایی از چالشهای موجود جهانی که گرایشات نامتعارف افراد که از نظر فرهنگی و اخلاقی در جایگاهی قرار دارن که فلسفه زندگی انسان و انسانیت را فراموش کرده و با لادگرگی و دور شدن از آموزهای الهی بجای گرایشات طبیعی به سمت گرایشات غیر اخلاقی که مصداق بارز ان همجنسگرایی است رفته اند ولی در عوض در بحث تغییر جنسیت با بی توجهی خاصی از اقدامات تقنینی خوداری کرده اند باید به موضوعات مستحدثه توجه شود و از بعد نگاه نکوهش گرایانه سابق بر موضوع فاصله گرفت و با بررسی منطقی موضوع و کارشناسانه ان تصمیمات منطقی اخذ نمود. در قوانین جمهوری اسلام ایران و فرانسه مقررات مصوبی در این زمینه به چشم نمی خورد و صرفاً بر اساس فتاوی هستند به اصل ۱۶۷ قانون اساسی و اصول حقوقی حکم صادر می گردد. به لحاظ بسیاری از نقش ها بر اساس جنسیت پذیرفته می گردد، جنسیت و تغییر آن حائز اهمیت بوده و در موضوعات مرتبط تاثیر می گذارد مثل ازدواج که سبب بطلان آن می شود. (از این پس بجای کلمه ای - تغییر جنسیت - که غلطی مصطلح می باشد از کلمه تعیین جنسیت در این تحقیق استفاده خواهد.) از آنجاییکه تعیین جنسیت اصولاً زمانبر می باشد و در مراجع مختلف باید مطرح گردد تا به مرحله نهایی که صدور حکم است برسد. تشکیل شورایی مرکب از متخصصین پزشکی، روانپزشکی و قضات دادگستری جلوی اطاله ی دادرسی را می گیرد. بهتر در برنامه ریزی های کلان آموزشی و بهداشتی به این موضوع پرداخته شود و در تست ها و آزمایشات دوران بارداری و اوایل تولد و پیش از ورود به مدرسه از وجود بیماری آگاهی و درمان در سنین کودکی انجام گیرد. چرا که با افزایش سن و غافل شدن از بیماری ، فرد در جامعه و در زندگی نقش هایی را می پذیرد که با درمان و تغییر جنسیت ظاهری نقش ها دچار اختلال میگردند و از این حیث لطمات زیادی به خانواده و افراد وابسته وارد می آید. و در فقه اسلامی نیز به نظر فقهای شیعه که انحصار جنسیت را در دو نوع قابل شدند و خنثی را نیز دارای یکی از دو جنسیت دانسته اند، یعنی خنثی در واقع ونفس الامر مرد و یا زن بوده و دارای جنسیت سومی نیست گرچه ممکن است جنسیت او بر ما مخفی باشد چرا که آیاتی وجود دارد برای انحصار انسانها و بلکه تمام حیوانات بین مذکر و مونث دلالت دارد (امامی، ۱۳۹۲).

البته برخی از فقها قابل به عدم انحصار شده اند و خنثی را واسط بین مرد و زن و دارای جنسیت سوم شده اند، باین وجود تکلیف در قانونگذاری اسلامی چیست؟ البته در نگاهی کلی و نگرشی جهانی نگاه به سمتی است که خنثاها چه از نظر جسمی و چه از نظر روانی مبتلا به بیماری و دارای اختلال در این دو زمینه هستند که نیازمند تدبیر اساسی در این زمینه



است. چنانچه گفته شد در فقه اسلامی به تبع ادر کشور جمهوری اسلامی یک سرگردانی به خاطر همین تناقضات وجود دارد که شایسته است در راستای نگرش جهانپس سوق داده شود تا انتظار از دین اسلامی تامین شود (جهانگیری، ۱۳۸۸). یکی از علل اهمیت بحث فوق آن است که تغییر جنسیت تقریباً در تمام کشورها مورد بحث و گفتگو است؛ به گونه ای که فقیهان و حقوقدانان اهل سنت و نیز کلیسای مسیحی در این باره اظهار نظر کرده اند. همواره اخباری به گوش می رسد که در کشورهای مختلف، عمل تغییر جنسیت صورت می پذیرد و بر این اساس، پرسش های حقوقی و اخلاقی فراوان در این باره برای جوامع بین المللی اعم از اسلامی و غیراسلامی مطرح است.

اهمیت دیگر مساله تغییر جنسیت، آن است که این عمل نه تنها در مورد بیماران جنسی مانند افراد خنثی انجام می شود، بلکه در مورد افرادی که از نظر ظاهری، سالم اند نیز صورت می پذیرد. این افراد به عنوان خنثی روانی یا ترنس سکشوال^۱ شناخته می شوند که از نظر ظاهر، مرد یا زن هستند ولی از نظر روح و روان به جنس مخالف تعلق دارند.

جنسیت نقش مهمی در زندگی خصوصی و اجتماعی انسان ها ایفا می کند و در برخی از موارد مبنای تمتع و استیفای حقوق قرار می گیرد. هرچند در برخی موارد مانند بسیاری از معاملات جنسیت نقشی ندارد لیکن در برخی از مسائل حقوقی خصوصاً احوال شخصیه چون ازدواج، ارث و ... نقش کلیدی جنسیت محرز و مسلم است. بررسی های حقوقی درباره تغییر جنسیت می تواند مکمل مباحث پزشکی، روان پزشکی و... باشد. بنابراین بعد حقوقی این مساله، تنها بخشی از ابعاد مختلف پدیده تغییر جنسیت است. مجامع حقوقی در کیه کشورها باید هم زمان با تحولات و پیشرفت های پزشکی حرکت نمایند و چارچوب های حقوقی پدیده های جدید پزشکی را روشن سازند.

از آن جایی که تغییر جنسیت در ایران و حتی در جهان موضوعی متأثر از علم جدید پزشکی محسوب می شود و موضوع مذکور در بسیاری از حوزه ها تأثیرگذار و بنیادی می باشد و با عنایت به این که قوانین کشور ما متأثر از قانون فرانسه است، بحث بررسی حقوق این دو کشور به عنوان دو کشور اسلامی و غیراسلامی در زمینه تغییر جنسیت مدنظر گرفته شده تا با مقایسه وضعیت حقوقی افراد دارای اختلال هویت جنسی در این دو کشور راهکارهایی جهت بهبود وضعیت این افراد ارائه گردد.

۲- تعریف خنثی روانی:

یکی از مهمترین وجوه هویت انسانی، هویت جنسی است. این که انسانی زن نامیده شود یا مرد، پس از هستی و حیات او مهم ترین وجه شناسایی و ارزش گذاری هر فرد توسط خود و محیط پیرامون آن فرد است. پس این نقش ها به انسانها آموخته شده و او را در جهت تقویت رفتارهای متناسب با جنسیت او تشویق می کنند. اما این فرایند طبیعی که در اکثریت موارد با موفقیت طی می گردد، در پارهای موارد مسیر متفاوتی را می گذرانند، به طوری خود که فرد در

1-Transsexual



مورد تعلق خود به یکی از دو جنس دچار تردید شده یا کاملاً خود را متعلق به جنس مخالف جنسیت بیولوژیک خود می‌داند که در این وضعیت وی دچار اختلال هویت جنسی می‌شود، که ادامه چنین وضعیتی معمولاً یابد و در مواردی نیز به قوت ادامه یافته و به حداکثر شدت خود یعنی تقاضای فرد برای تغییر مشخصات آناتومیک خود به صورت جنسیتی که فرد خود را متعلق به آن می‌داند، برسد به این دسته از افراد خنثی روانی (تراجنسی یا ترنس سکشوال) یا گفته می‌شود. (دهخدا، ۱۳۷۸)

۳- خنثی روانی و جایگاه آن در عصر حاضر

خنثاهای روانی از لحاظ جسمی و بدنی دارای علائم یکی از دو جنس مذکر یا مؤنث می‌باشند ولی از لحاظ روانی تمایلات جنسی جنسیت مزبور را ندارند بلکه تمایلات جنسی، جنس مخالف را دارا می‌باشند. یا ممکن است علائم بدنی جنسیتی را بطور ناقص داشته باشند، مانند موردی که شخصی دارای علائم جنسیتی زنانه بود ولی در سن بلوغ عادت ماهانه نمی‌دید با مراجعه به پزشک ثابت شد که او رحم ندارد (رئیس و ناصحی، ۱۳۸۳).

آقای عبدال. مبروک النجار، یکی از اساتید دانشگاه الازهر مصر، در این باره معتقد است: تغییر جنسیت این گروه ممنوع و انجام دهنده آن قابل مجازات می‌باشد زیرا از یک طرف، مجاز بودن تغییر جنسیت آنها، مستلزم رواج همجنس بازی در جامعه است که زشت‌ترین عمل و جرم در جامعه بشری است و حرمت آن در اسلام از ضروریات است. از طرف دیگر، مجاز بودن تغییر جنسیت این گروه، مستلزم مجاز بودن آسیب رساندن به بدن است که این نیز حرمت آن روشن است، زیرا این عمل برای امر معقولی مانند باروری و زاد و ولد انجام نمی‌شود بلکه برای ارضاء شهوت و لذت پرستی انجام می‌شود (فتاحی، ۱۳۸۰).

این دلایل قابل مناقشه است زیرا از یک طرف، مجاز شدن و رواج همجنس بازی با تغییر جنسیت، منوط بر این است که اولاً جنسیت شخص محرز باشد، ثانیاً با عمل جراحی تغییر ننماید، در حالی که در این گروه که تعارض بین علائم بدنی و علائم روانی جنسیت وجود دارد، جنسیت شخص محرز نیست. از طرف دیگر، اطلاق ادله حرمت آسیب رساندن به بدن بوسیله ادله اباحه محظورات، در اضطرار تخصیص خورده است. در نتیجه، اگر شخصی ناچار به برداشت عضوی از بدن خویش گردد، ادله حرمت شامل این مورد نمی‌شود. مفتی مصر با صدور فتوایی، به درخواست سندیکای پزشکی مصر، ظاهراً تغییر جنسیت این گروه را مشروع دانسته و اعلام نمود: در روایات وارد است که شخص عربی خدمت رسول ..(ص) وارد شد و پرسید: شما می‌توانید درمان کنید؟ حضرت جواب دادند: بلی، خداوند مرضی را نفرستاده است مگر اینکه همراه آن درمانش را نیز فرستاده است. در روایت دیگر وارد است که حضرت فرمودند: بندگان خدا می‌توانند خودشان را درمان کنند زیرا خداوند مرضی را نفرستاده مگر اینکه درمان آن را فرستاده است و تنها یک مرض است که درمان ندارد و آن پیری است. همچنین شخصی را برای درمان اُبی بن کعب فرستادند، پزشک برای درمان او رگ بدنش را برید. عسقلانی از این حدیث وجوب برداشت، عضو زائد را استفاده کرده است و گفته است: بر خنثی واجب است که



عضو و علامت جنسیت غیر اصلی را از خود بردارد. علاوه بر این، در تعارض بین علائم جنسیت بدنی و ظاهری با علائم جنسیت روانی و باطنی، باید علائم جنسیت باطن را غالب و اصلی دانست زیرا ظاهر ممکن است فریب دهنده باشد ولی باطن پیوسته واقع نما و حقیقت گرا است. با توجه به این دلایل، اگر پزشک متخصص قابل اعتماد، تنها راه درمان مریض را تغییر جنسیت تشخیص دهد، تغییر جنسیت مجاز است (سکوگارد، همان).

به نظر می‌رسد که این دلایل قابل اعتماد باشد زیرا این وضعیت را علم پزشکی بعنوان یک مرض تلقی نموده است و سیره عقلاء که مورد تأیید قانونگذار و شارع نیز واقع شده است، دلالت بر این دارد که هر مریضی حق دارد که مرض خود را درمان نماید. علاوه بر این، همانگونه که بعضی از فقهاء (حلی، ۱۴۱۱ ه ق، ص ۱۳۸)، اظهار داشته‌اند: احادیثی از معصوم (ع) وارد است که درمان کنید دردهای خود را، هر دردی درمانی دارد و تنها مرگ درمان ندارد. بنابراین، با توجه به این نصوص و سیره عقلاء بر لزوم درمان هر درد و همچنین تشخیص متخصصین مبنی بر بیماری بودن این وضعیت و قابل درمان بودن آن، می‌توان نتیجه گرفت که این مورد نیز مجاز و مشروع است.

۴- تغییر جنسیت در حقوق ایران

بدواً باید بررسی شود که آیا اصل تغییر جنسیت و عمل جراحی آن در ایران و فرانسه از نظر حقوقی مورد پذیرش قرار گرفته است یا خیر؟ و متعاقب پذیرش آن، می‌بایست به آثار و عوارض آن ورود کنیم.

حقوق ایران با فقه اسلامی پیوند خورده است و فقه شیعه منبع اصلی برای قوانین جمهوری اسلامی ایران است. قواعد و مقررات مربوط به تغییر جنسیت، نمی‌تواند از این قاعده مستثنی باشد. بلکه از آن جایی که در زمینه تغییر جنسیت قانونی در ایران به تصویب نرسیده است، نقش نظرات و دیدگاه‌های فقها پررنگ تر نیز می‌شود.

البته در توجیه جواز تغییر جنسیت در حقوق ایران به این نکته اشاره شده است که از آن جایی که تغییر جنسیت در قوانین ایران منع نشده، بنابراین افراد خواهان می‌توانند جنسیت خود را تغییر دهند؛ لکن چون آثار حقوقی فراوانی دارد که در قانون مشخص نشده، باید گفت در صورت تغییر جنسیت، این امر تأثیری در حقوق ثابت‌ه ندارد و آنها را جز در مواردی از قبیل بطلان ازدواج و حلیت و حرمت تغییر نمی‌دهد (روشن، ۱۳۸۷).

۵- تغییر جنسیت در فقه امامیه در افراد دو جنسی (خنثی)

فقیهان شیعه به طور مبسوط، تغییر جنسیت در افراد خنثی را مورد بررسی قرار داده‌اند. البته برخی از صاحب نظران^۲ معتقدند در خنثی عضو ممکن است زاید یا اصلی باشد. لذا حکم تغییر بر آن مترتب نمی‌شود و به فرض که تغییر جنسیت حرام باشد، در خنثی حرام نیست؛ چون صدق تغییر جنسیت بر آن مسلم نیست.

۲- خرازی، سید محسن (۱۳۷۹)، تغییر جنسیت فقه اهل بیت (فارسی)، شماره ۱۰۶.



برخی از فقیهان شیعه، جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت در خنثی را به صورت مطلق بیان داشته اند؛ یعنی بین خنثای مشکل و خنثای غیرمشکل تفصیل نداده اند، در حالی که عده ای دیگر از فقیهان بین آن دو تفصیل داده اند. دیدگاه فقیهان شیعه در بحث تغییر جنسیت افراد خنثی را در ذیل بیان می کنیم.

۶- تغییر جنسیت در فقه امامیه افراد خنثی مطلقاً (اعم از مشکل و غیرمشکل)

برخی از فقیهان شیعه معتقدند که افراد خنثی، اعم از خنثای مشکل و خنثای غیرمشکل، مجاز به تغییر جنسیت هستند. البته گروهی از فقیهان در فتوای جواز تغییر جنسیت افراد خنثی، بین خنثی مشکل و غیرمشکل تفکیک نموده اند و با توجه به اطلاق کلام ایشان، افراد خنثی، اعم از مشکل و غیرمشکل مجاز به تغییر جنسیت هستند. در این میان، برخی دیگر از فقیهان شیعه، افراد خنثی را در دو قسمت شامل: خنثای مشکل و غیرمشکل مورد بررسی قرار داده اند، اگر چه در هر دو مورد قائل به جواز هستند. به عبارت دیگر، تفصیل خنثی ها به دو مورد خنثای مشکل و غیرمشکل، به معنای تفاوت حکم آن در مورد نیست (کاتوزیان، ۱۳۸۵).

امام خمینی (ره) به عنوان اولین فقیهی که مباحث تغییر جنسیت را مطرح ساخته اند، بیان داشته اند: "ظاهراً تغییر دادن جنس مرد به زن و جنس زن به مرد از طریق عمل جراحی حرام نیست، و هم چنین عمل جراحی بر روی کسی که خنثی است تا سرانجام مرد شود یا زن حرام نیست، و آیا اگر مردی در خور تمایلاتی از سنخ تمایلات زنان احساس کند و یا اثری از آثار زنان را در خود ببیند و یا اگر زنی در خود تمایلاتی از سنخ تمایلات مردان را احساس کند و یا اثری از آثار مردان را در خود ببیند واجب است بر او که عمل جراحی اقدام نموده، اولی خود را زن و دومی خود را مرد کند؟ و یا واجب نیست؟ به حسب ظاهر واجب نیست.^۳ در توضیح عبارات فوق تذکر دو نکته ضروری است: نخست آن که، کلام امام خمینی (ره) در بحث خنثی، به گونه مطلق بیان شده است و شامل خنثی مشکل و غیرمشکل هر دو می شود.

دوم آن که، امام خمینی (ره) می فرماید: تغییر جنسیت خنثی حرام نیست. منظور از "حرام نیست" همان "جواز" یا "اباحه" است. در مرحله دوم می فرماید: تغییر جنسیت واجب نیست. به عبارت دیگر، ممکن است کسی احتمال دهد که تغییر جنسیت در خنثی واجب است، که امام خمینی این احتمال را رد می کند. دلیل احتمال وجوب از آن جهت است که خنثی دارای هر دو آلت تناسلی مردانه و زنانه است و در وی جنسیت واحد به صورت کامل و محرز وجود ندارد تا وی بتواند احکام و وظایف شرعی خویش را متناسب با جنسیت مردانه یا زنانه انجام دهد. آیت الله محمد فاضل لنکرانی تغییر جنسیت خنثی را به صورت مطلق جایز می داند. آیت الله سید علی خامنه ای نیز عمل جراحی برای ملحق ساختن خنثی به زن یا مرد را بدون اشکال می داند (خامنه ای، ۱۳۹۲)..

۱- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۹۱)، مباحث حقوقی تحریر الوسیله، ترجمه سید محمد موسوی بجنوردی، انتشارات مجد، چاپ اول



براساس دیدگاه این گروه، دلیلی بر حرام بودن عمل جراحی خنثی چه مشکل و چه غیرمشکل وجود ندارد؛ زیرا فردی که به این عمل می پردازد، پیش از عمل، جزء یکی از دو صنف (مرد یا زن) بوده و حکم یکی از این دو را داشته است اما پس از انجام عمل جراحی، عنوان پیش بر او صدق نمی کند بلکه عنوان جدید بر او صدق می کند و پس از عمل جراحی، حکم عنوان جدید بر او بار می شود. (خدادای، ۱۳۸۵).

۷- وجوب تغییر جنسیت در افراد خنثی

برخی فقیهان به وجوب تغییر جنسیت در مورد خنثی ها معتقد شده اند. این حکم مخصوصاً در مورد خنثای مشکل و نیز خنثای غیرمشکل که تغییر جنسیت برای او ضرورت دارد صادق است تا وی بتواند تکالیف شرعی خویش را انجام دهد. از آیت الله ناصر مکارم شیرازی استفتاء شده است که: به طور کلی دو جنسی (هرمافرودیت) به چهار دسته تقسیم می گردند:

۱- دو جنسی های حقیقی که هم بیضه و هم تخمدان دارند و بسته به آن که مشخصات مردانه در آنها قوی تر باشد یا زنانه، با عمل جراحی به صورت مرد یا زن در خواهند آمد.

۲- شبه دو جنسی ها، با ظاهر زنانه که در حقیقت مرد هستند و به آسانی درمان می شوند و جنس حقیقی خود را پیدا خواهند کرد.

۳- شبه دو جنسی ها، با ظاهر مردانه که واقعاً زن هستند و با درمان به جنس واقعی خود دست خواهند یافت.

۴- عدم رشد غدد جنسی. بفرمایید آیا انجام عمل جراحی برای مشخص کردن جنسیت واقعی شرعاً جایز است؟ در پاسخ بیان داشته اند: انجام عمل جراحی در این فرض واجب می باشد.

۸- وضعیت حقوقی خنثی روانی

مراد از وضع حقوقی تغییر جنسیت این است که، با توجه به سکوت قانونگذار و فقدان نص قانونی در حقوق ایران، آیا تغییر جنسیت بر مبنای اصول و قواعد حقوقی، امری مجاز و مشروع است یا امری نامشروع و ممنوع است؟ درباره مشروعیت یا ممنوعیت تغییر جنسیت نظریه کسانی که موضوع را مورد بحث قرار داده اند، متفاوت است که در مجموع می توان نظریات را به سه گروه، ممنوعیت مطلق، مشروعیت مطلق و مشروعیت مشروط تقسیم نمود که عمده دلایل این نظریات بررسی می شود.

۸-۱- نظریه ممنوعیت تغییر جنسیت

یکی از دلایل نظریه ممنوعیت تغییر جنسیت، عبارت از این است که مجاز بودن تغییر جنسیت مستلزم مجاز بودن برداشت و از بین بردن اعضایی است که از بدن شخص موضوع تغییر جنسیت برداشته می شود تا اعضای مصنوعی جنسیت مخالف در جای آن گذاشته شود، در حالیکه، حرمت و ممنوعیت از بین بردن اعضاء بدن از ضروریات است و کسی نمی تواند با



از بین بردن عضوی از بدن خود به خویش یا با از بین بردن اعضاء بدن دیگری به او صدمه وارد کند. در نتیجه، تغییر جنسیت عملی نامشروع است (مدنی تبریزی، ۱۴۱۶ ه ق، ص ۴۹).

در این دلیل می توان مناقشه نمود زیرا به استناد این دلیل در صورتی می توان تغییر جنسیت را بطور مطلق ممنوع دانست که ضرورت ایجاب نکند. اگر شخصی در نتیجه بیماری روانی یا جسمانی ناچار به برداشت عضوی از اعضاء بدن خویش شود، قاعده مجاز بودن ممنوعات در موارد اضطرار و ناچاری، حاکم بر این دلیل می شود و در نتیجه، برداشت یا از بین بردن عضوی از بدن در موارد ناچاری امری مشروع است و به استناد دلیل مذکور نمی توان تغییر جنسیت را بطور مطلق ممنوع تلقی نمود (سبحانی، ۱۳۹۱).

دلیل دیگر نظریه ممنوعیت تغییر جنسیت، غیرمقدور بودن آن است زیرا خداوند انسان را مذکر و مؤنث آفریده است و هیچ قدرتی نمی تواند مذکری را به مؤنث یا بالعکس تغییر دهد. در نتیجه، اگر بوسیله مثلاً عمل جراحی علائم جنسیتی شخصی برداشته شود و یا با تزریق دارو موی صورت مردی ازاله شود و پستان او بزرگ گردد، این شخص در واقع تبدیل به مؤنث نشده است. بر عکس، رویاندن مو در رخسار مؤنثی و کوچک کردن پستان او و غیره، بوسیله تزریق دارو، موجب تغییر جنسیت او به جنس مذکر نمی شود. عبارت دیگر، تغییر موضوع مذکر به مؤنث یا بالعکس امری غیرمقدور و ناشدنی است و چون موضوع تغییرناپذیر است، حکم آن نیز ثابت و غیر قابل تغییر است (همان). این دلیل نیز غیر قابل اعتماد است زیرا به استناد این دلیل نیز نمی توان تغییر جنسیت را بطور مطلق غیرمشروع دانست، چون موضوع مورد بحث، تغییر جنسیت تمام افراد بشر نیست. در علم پزشکی نیز اعتقاد بر این نیست که تمام افراد قابل تغییر جنسیت نیستند، بلکه افرادی که به نوعی خنثی می باشند، موضوع تغییر جنسیت می باشند. بنابراین، غیر مقدور بودن تغییر جنسیت، شامل تمام افراد نمی شود، بلکه فقط شامل افرادی می شود که گرایشات جنسی روانی آنها با علائم جنسی بدنشان هماهنگ و همسو است که اکثر انسانها در این گروه می باشند و این گروه خارج از موضوع می باشند. همانگونه که بعضی از فقهاء (طباطبایی، ۱۴۲۲ ق، ص ۶۴۲)، از ظهور آیات استفاده نموده اند: خداوند انسان را مذکر و یا مؤنث آفریده است. در نتیجه، کسی که دارای علائم جنسی هر دو جنس مذکر و مؤنث است یکی از این علائم اصلی و دیگری زائد است.

بنابراین، مراجعه به متخصص جهت تشخیص جنسیت اصلی و از بین بردن علائم جنسیت غیر اصلی در خنثای بدنی و خنثای روانی نه تنها امری ممنوع نمی تواند باشد بلکه امری شایسته و پسندیده است. همانطوریکه بعضی (سوارتز، ۱۹۹۷)، ضمن قبول انحصار جنسیت بشر در مذکر و مؤنث، اظهار نموده اند: تعیین جنسیت در زمان ولادت شخص یک پیشگویی است که در مورد خنثای بدنی یا روانی این پیشگویی نادرست بوده است و در پیشگویی جنسیت آنان اشتباه شده است، هر چند این پیشگویی در اغلب موارد با واقع منطبق است. علاوه براین، موضوع مهم دیگر ملاک تعیین جنسیت است که تا سال ۱۹۷۰ دانشمندان معتقد بودند که ملاک تشخیص جنسیت فقط علائم ظاهری بدن نیست بلکه در تعیین جنسیت



یک شخص باید آلت تناسلی، وجود بیضه یا تخمدان و کروموزوم او را در نظر گرفت ولی بعد از تاریخ مذکور علاوه بر عناصر مذکور، شکل مغز شخص را نیز مؤثر در تعیین جنسیت می‌دانند.

دلیل دیگر عدم مشروعیت تغییر جنسیت، همانگونه که بعضی معتقدند (کاتوزیان، ۱۳۷۲، ص ۱۷۵)، مخالفت آن با مصالح عمومی است زیرا: "قواعدی که وضع مدنی شخص را در جامعه تعیین می‌کند، تنها به خاطر حفظ منافع او وضع نشده است، هدف مهم اینگونه قواعد تأمین مصالح عمومی است. به همین جهت اشخاص نمی‌توانند بر خلاف آنها با یکدیگر توافق کنند. چنانکه به وسیله قرارداد نمی‌توان تابعیت یا جنسیت کسی را تغییر داد."

این دلیل نیز در صورتی دلالت بر عدم مشروعیت تغییر جنسیت می‌کند که در علم پزشکی تغییر جنسیت مشروط به شرایطی نباشد و هرکس که اراده تغییر جنسیت خود کند، درخواست او پذیرفته شود ولی اگر تغییر جنسیت مشروط به شرایط شود، همانطوریکه در بیشتر کشورها مقررات و شرایط خاصی در این باره تصویب شده است، مغایرتی با مصالح جامعه نخواهد داشت. بنابراین، تمام دلایل معتقدان به عدم مشروعیت تغییر جنسیت، از موضوع منصرف است و به استناد این دلایل نمی‌توان بطور مطلق تغییر جنسیت را غیر مشروع دانست، بلکه این دلایل مواردی را شامل می‌شود که تغییر جنسیت برای شخص مضر و آسیب رسان باشد و او به صرف میل خویش اقدام به تغییر جنسیت خود کند ولی در مواردی که تغییر جنسیت بعنوان یک راه درمان یا یک عمل مفید و دارای منفعت عقلایی مشروع انجام می‌شود، دلایل یاد شده نمی‌تواند دلالت بر ممنوعیت آن نماید.

۸-۲- نظریه مشروعیت تغییر جنسیت

در مقابل نظریه مخالف پیشین، نظریه دیگری ابراز شده است که بر مبنای آن تغییر جنسیت بطور مطلق مجاز و مشروع است که عمده دلایل آن مورد بررسی قرار می‌گیرد: یکی از دلایل نظریه مشروع بودن مطلق تغییر جنسیت، اصل اباحه و عدم دلیل بر حرمت آن از طرف شارع است، چون اصل جواز، تصرفات است مگر این که دلیلی بر ممنوعیت وجود داشته باشد و دلیلی نیز بر حرمت آن در شریعت وجود ندارد. پس، چنین عملی ظاهراً مشروع است (موسوی خمینی، ۱۴۱۵ ق، ص ۶۲۶ و مؤمن، ۱۴۱۵ ه ق، ص ۱۰۹).

در این دلیل می‌توان مناقشه نمود زیرا درست است که از طرف قانونگذار دلیل خاصی دال بر عدم جواز و ممنوعیت تغییر جنسیت وارد نشده است ولی چون تغییر جنسیت یک عمل است که شخص و پزشک متخصص آن را انجام می‌دهند، باید دید که آیا انجام هر عملی مجاز است یا مشروعیت انجام هر عملی مشروط به شرایطی است؟ در باب اجاره اشخاص و نیز شرط فعل، که از اعمال حقوقی بارز و مشهوری است که موضوع آن انجام فعل است، همانطوریکه صاحب نظران (انصاری، ۱۴۱۰ ق، ص ۵ و حلی، ۱۴۱۸ ق، ص ۲۸۶)، اظهار نموده‌اند: عمل مورد اجاره یا مشروط باید دارای منفعت عقلایی مشروع و قابل اعتناء باشد. بنابراین، اگر شخصی بدون مشکل بدنی و یا روانی قابل توجه، اقدام به تغییر جنسیت



خود نماید، چون این عمل نه تنها دارای منفعت مشروع قابل توجه عقلایی نیست، بلکه شخص را گرفتار بحران روحی و روانی می‌نماید، می‌توان به استناد این عموومات، انجام آن را نامشروع تلقی نمود.

دلیل دیگری که می‌توان برای مشروعیت مطلق تغییر جنسیت به آن استناد کرد، قاعده «الناس مسلطون علی انفسهم» می‌باشد، همانگونه که بعضی (مؤمن، همان، ص ۱۶۳)، برای صحت فروش اعضاء بدن به آن استناد کرده و معتقدند: چون این قاعده در سیاق قاعده سلطه مردم بر مالشان است، در نتیجه، همانگونه که مردم حق دارند در مالشان هر تصرفی بکنند، می‌توانند در بدن خود نیز هر نوع تصرفی را که بخواهند، انجام دهند و یکی از تصرفات مجاز به استناد این قاعده، تغییر جنسیت است. هر چند این قاعده عیناً در روایت وارد نشده است ولی می‌توان آن را از روایات وارده در باب نکاح باکره رشیده، اصطیاد نمود: بعنوان مثال در صحیحہ فضیل بن یسار و محمد بن مسلم و زراره و بُرید بن معاویه از حضرت باقر علیه السّلام نقل شده است: زنی که مالک خودش است، سفیه و مولی علیها نیست، ازدواج او بدون اذن ولی نافذ است. [۱]

بنابراین، در حجیت این قاعده نمی‌توان مناقشه نمود، ولی از جهت مفهوم قاعده و همچنین تطبیق آن بر مورد، می‌توان مناقشه نمود، زیرا اولاً از جهت مفهوم قاعده، مفهوم آن این نیست که انسان بر خود ولایت و حاکمیت دارد، همانگونه که بر اموال خود حاکم است بلکه آنچه در باب روایت نکاح باکره رشیده وارد است که اگر او مالک خویش است، می‌تواند مستقلاً ازدواج نماید. ظاهر در این است که اگر می‌تواند امور خود را اداره کند و مصلحت و غبطه خود را تأمین نماید، می‌تواند بدون اذن ولی ازدواج نماید. همانطوریکه اهل نظر (انصاری، ۱۴۱۵ ق، ص ۱۱۷)، نیز قاعده را اینگونه تفسیر نموده‌اند. [۲] در نتیجه، از لحاظ مفهومی، دلالت این قاعده بر سلطه انسان بر خودش مخدوش است.

ثانیاً بر فرض قبول این که، این قاعده دلالت بر سلطه انسان بر خود دارد و سیاق آن مانند سیاق قاعده سلطه بر اموال است، باز نمی‌توان به استناد این قاعده تغییر جنسیت را بطور مطلق مشروع دانست، زیرا همانگونه که بعضی (خویی، بی‌تا، ص ۱۰۲)، معتقدند: قاعده سلطه مُشَرِّع نیست و مالک هر تصرفی و لو غیر عقلایی و اسرافی، نمی‌تواند در مال خود انجام دهد بلکه باید تصرفی نماید که از دیدگاه عقلاء متعارف و معقول باشد. در نتیجه، قاعده سلطه بر نفس نیز در همین سیاق و حدود قرار می‌گیرد و فقط اشخاص می‌توانند تصرفی در بدن و نفس خود کنند که عقلایی است، در حالی که، تغییر جنسیت شخصی که تمایلات جنسی روانی او مطابق با علائم جنسیتی بدنی او است، از دیدگاه عقلاء تصرفی نامعقول و نامتعارف است. علاوه بر این، بر فرض اینکه قاعده سلطه مُشَرِّع باشد، در این صورت نیز قلمرو آن محدود به تصرفاتی است که دارای نفع عقلایی است زیرا به استناد اصول و قواعد مسلم حقوقی و سیره عقلاء، تصرفات لغو و زاید و یا دارای مفاسد اجتماعی یا شخصی، مشروع و مورد حمایت قانون نیست. بنابراین، اطلاق قاعده سلطه به این عموومات مقید به تصرفات مفید یا حداقل تصرفات فاقد مفاسد اجتماعی یا شخصی می‌شود. در نتیجه، به استناد این دلایل نیز نمی‌توان تغییر جنسیت را بطور مطلق مشروع و مجاز محسوب نمود.



۸-۳- نظریه مشروعیت مشروط

نظریه دیگری، که در مورد وضعیت تغییر جنسیت ابراز شده است، مشروعیت مشروط است زیرا مشروعیت هر عملی، همانگونه که در ماده ۲۱۵ قانون مدنی نیز به آن تصریح شده است، منوط به وجود منفعت مشروع عقلایی است. در نتیجه، تغییر جنسیت در صورتی مشروع است که خواهان دارای مشکل جنسی باشد و پزشک متخصص تغییر جنسیت را برای رفع مشکل او مفید تشخیص دهد. در اکثر نظامهای حقوقی این نظریه پذیرفته شده است و کشورهای که تغییر جنسیت را مشروع اعلام نموده اند، مشروعیت آن را منوط به وجود شرایطی کرده اند. شاید ادعا شود که اگر مشروعیت تغییر جنسیت، مشروط به شرایطی شود، مشروعیت آن از واضحات و مسلمات است، زیرا به استناد قاعده "الضرورات تبیح المحظورات" و حدیث رفع، هر عمل ممنوع و غیر قانونی، در شرایط اضطرار، مباح و قانونی می شود. ولی این ادعا ناشی از عدم درک درست و صحیح موضوع و شرایط تغییر جنسیت است، زیرا اولاً قاعده مزبور در مواردی جاری است که اول منع قانونی وجود داشته باشد و شخص در شرایط اضطرار قرار گیرد، بعد این قاعده از او رفع حرمت یا ممنوعیت می نماید ولی بعد از خروج از شرایط اضطرار، ادله حرمت دوباره حاکم می شود، در حالی که نسبت به افراد واجد شرایط تغییر جنسیت بر مبنای نظریه مشروعیت مشروط به وجود شرایط خاص، اصلاً ممنوعیت و حرمتی وجود ندارد که قاعده مزبور آن را رفع نماید. به همین جهت نیز مفتی مصر معتقد به وجوب تغییر جنسیت نسبت به افراد خنثای فیزیکی یا بدنی شد، در صورتی که قاعده اباحه شدن ممنوعات در شرایط اضطرار برای مضطر فقط اباحه یا اختیار می آورد و نمی توان از این قاعده استفاده وجوب یا لزوم نمود. ثانیاً موضوع مورد بحث فراتر از شرایط اضطراری است زیرا ممکن است شخصی با وجود داشتن شرایط تغییر جنسیت، در حالت اضطرار قرار نگیرد. به همین جهت در توصیه ها و مقررات نمونه تغییر جنسیت، آن نه به عنوان یک راه درمان بلکه به عنوان یک حق توصیه شده است. بنابراین، مشروعیت تغییر جنسیت مشروط به وجود شرایطی در تقاضای است نه از باب ادله حالت اضطرار بلکه از لحاظ علم پزشکی این شرایط لازم است تا برای پزشک، موضوع معالجه فراهم شود و از لحاظ علم حقوق نیز این شرایط لازم است تا مورد حمایت قانون قرار گیرد.

۹- استفتاء از امام خمینی (ره) در خصوص تغییر جنسیت (سال ۱۳۶۴)

فردی به نام فریدون که بعداً با تغییر جنسیت، نام "مریم خاتون ملک آرا" را برگزید، در سال ۱۳۵۷ به پاریس رفته و از نزدیک با امام خمینی ملاقات کرده و خواهان دریافت مجوز شرعی برای تغییر جنسیت شد، اما به دلیل شرایط حاد انقلاب اسلامی، قضیه مسکوت ماند. بعد از انقلاب اسلامی و از طریق برخی مسئولین، به محضر امام خمینی رسیده و بار دیگر شرح ماجرای خود را بیان داشت. امام خمینی با تغییر جنسیت او موافقت نمود و دفتر امام خمینی در سال ۱۳۶۴ این استفتاء را صادر کرد.



"تغییر جنسیت با تجویز طبیب مورد اعتماد اشکال شرعی ندارد. انشاء الله تعالی در امان بوده باشید و کسانی که ذکر کرده اید امید است مراعات حال شما را بکنند". براساس این فتوا، تغییر جنسیت در ایران از نظر حقوق و دین امری مجاز و قابل قبول معرفی گردید. (باقری، ۱۳۹۱).

۱۰- نظریه اداره حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران (سال ۱۳۶۶)

پزشکی قانونی در تاریخ ۶۶/۹/۱۷ از اداره حقوقی دادگستری درباره تغییر جنسیت و مسایل مربوط به آن کسب تکلیف نموده است. اداره حقوقی دادگستری این پاسخ را ارائه نموده است.

مساله مطروحه دارای دو صورت است :

صورت اول آن که فردی از نظر پزشکی مرد است، در حالی که دارای آلت تناسلی زنان است یا بالعکس، در این صورت با انجام جراحی، تغییر جنسیت حاصل نمی شود، بلکه با عمل جراحی، جنسیت شخص ظاهر می شود و این امر از نظر حقوقی بلا اشکال است. از نظر شرعی هم طبق فتوای حضرت امام خمینی مدظله العالی در تحریر الوسیله، جلد ۲ صفحه ۶۲۷ مساله ۲ و مساله ۱۰ بلا اشکال است و بعد از عمل، تمام احکام جنسی که ظاهر شده بر آن مترتب می گردد.

صورت دوم آن است که فردی که شخصاً مرد یا زن است و دارای آلت تناسلی جنس خود نیز می باشد، تصمیم به تغییر جنسیت بگیرد و پزشکان امکان آن را تایید نمایند. این امر نیز در قوانین منع نشده است، لیکن چون آثار حقوقی فراوانی دارد باید گفت : در صورت تغییر جنسیت این امر تاثیری در حقوق ثابته ندارد و آن را جز در مواردی از قبیل بطلان ازدواج و حلیت و حرمت تغییر نمی دهد. مثلاً اگر زنی بعد از عمل جراحی مرد شود، گرچه ازدواج او از زمان تغییر جنسیت، باطل می گردد، اما مهر او ساقط نمی شود و یا اگر مردی بعد از عمل جراحی زن شود، کماکان باید مهر زوجه اش را بپردازد هر چند ازدواج او از تاریخ تغییر جنسیت باطل است. هم چنین اگر مادری پس از عمل جراحی تبدیل به مرد شود، ولایتی بر فرزندانش نخواهد داشت. فتوای حضرت امام خمینی مدظله العالی در مسایل ۱ و ۳ و ۶ و ۷ از مسایل تغییر جنسیت، در تحریر الوسیله جلد ۲ صفحات ۶۳۶ و ۶۲۷ و ۶۳۸ در این مورد نیز بر جواز عمل جراحی و عدم تاثیر آن در حقوق مالی و ولایتی تحقق یافته از قبل دلالت دارد. (گودرزی، ۱۳۷۰).

در ایران

در نظام حقوقی ایران، همان طور که اشاره شد، قانون خاصی در زمینه تغییر جنسیت وجود ندارد تا بتوان به عنوان شرایط قانونی از آن نام برد ولی برای جلوگیری از مشکلات عملی آتی و رفع هر گونه تردید در تغییر جنسیت فرد مورد نظر و حفظ نظم عمومی و رعایت اخلاق حسنه، شایسته است تغییر جنسیت تابع تشریفات و شرایط خاصی باشد.



۱۱- نتیجه گیری:

در آنچه آمد این پژوهش و تحقیقات انجام شده با توجه اهمیت موضوع خنثی روانی، با اوصاف بیان شده می توان به یکی از خنثی ها ملحق کرد به نکات آتی نایل شد:

۱- از آنجا که خنثی روانی در بعد جسمی هیچ مشکلی ندارد و شخص بیمار فقط در جنس ظاهری و واقعی خود احساس نارضایتی میکند و خود را با یک حالت مغلوب در برابر ذهن خویش که بیقراری خاصی در وی ایجاد میکند، و تمامی شماتهای احتمالی و مستقر در جامعه را به جان میخورد تا به خواسته شهوانی خود که در عرصه وجودی خویش ماآگزیده، که همان یافتن خود در جنس مخالف ظاهری خود است برسد و این مهم در بعد آثار اجتماعی و حقوقی آن در صورت عدم توجه به آن باعث آسیب های جدی غیرقابل جبرانی به جامعه وارد خواهد کرد، و از این رو همت شایان ذکری از سوی قانونگذاری کشور را می طلبد.

۲- در مورد خنثای روانی نیز، هر چند پدیده جدید و تازه ای است، ولی با توجه به سیره عقلاء مبنی بر لزوم درمان درد تا حد امکان و احادیث تشویق کننده مریض برای مراجعه به پزشک، می توان نتیجه گرفت که تغییر جنسیت این گروه نیز به تشخیص پزشک متخصص قابل اعتماد، از باب حجیت شهادت، مشروع و مجاز می باشد. اما تغییر جنسیت افراد عادی که مشکل جنسی ندارند و علائم جنسیتی بدن آنها با گرایش جنسی روابطشان مطابق است، غیر قانونی و نامشروع است، زیرا این عمل، علاوه بر این که به شخص صدمات غیرقابل جبران روحی وارد می کند، بلکه هزینه سنگینی نیز برای او در پی خواهد داشت و مخالف اخلاق حسنه و نظم عمومی است. در صورتی که اگر شخصی مطابق استانداردهای پزشکی، پزشک متخصصی او را شایسته تغییر جنسیت دهد، حق دارد علاوه بر تغییر جنسیت در غالب هورمون درمانی یا به نوع آن در موارد لزوم عمل جراحی و تقاضای اصلاح شناسنامه خود دادگستری کند تا جنسیت و نام جدید او در آن درج گردد. و از آنجایی که با قبول خنثی روانی فردی از افراد تغییر جنسیت، میتوان آثار مترتب بر سایر افراد تغییر جنسیت در از جمله ارث، نکاح، حضانت، جرایم ارتكابی و سایر موارد در بعد حقوق و تکالیف افراد موثر است، در خنثی روانی علاوه بر ترتب آثار مذکور در درجه مرجوحی نیز برخوردار خواهد بود.

۳- و از آنجایی که در قوانین ایران و فرانسه مقررات مصوبی در این زمینه به چشم نمی خورد و در ایران صرفاً بر اساس اصل ۱۶۷ قانون اساسی و اصول حقوقی حکم صادر می گردد و رویه نیز قضایی در حال حاضر از آشفتگی و نابسامانی خاصی رنج میبرد که برای کشور اسلامی که داعیه کاملیت و جامعیت دین خود را دارد و اصلی ترین رسالت آن جهان شمول کردن احکام اسلامی است و شکافتن قلبها و در نهایت خوشبختی محض بشر است شایسته به نظر نمیرسد موضوع به چنین مهمی بدون حکم و بلا تکلیف باشد

۴- . به لحاظ بسیاری از نقش ها بر اساس جنسیت و تغییر آن حایز اهمیت است و در موضوعات مرتبط تاثیر می گذارد مثل ازدواج که سبب بطلان آن می شود از این پس بجای کلمه تغییر جنسیت که عنوانی مصطلح اما غلط است عنوان



تعیین جنسیت استفاده شود. از آنجایی که تعیین جنسیت اصولاً زمانبر می باشد و در مراجع مختلف باید مطرح گردد تا به مرحله صدور حکم برسد، تشکیل شورایی مرکب از متخصصین پزشکی، روانپزشکی و قضات دادگستری مانع از اطاله دادرسی خواهد شد. در مقام پیشگیری شایسته است در برنامه ریزی کلان آموزشی، فرهنگی و بهداشتی به این موضوع پرداخته شود و در تست ها و آزمایشات بارداری در اوایل بارداری و در اوایل تولد و در دوران کودکی انجام گیرد. چرا که افزایش سن و غافل شدن از بیماری فرد در جامعه و در زندگی خانوادگی نقش هایی را می پذیرد که با درمان و تغییر جنسیت ظاهری نقش ها دچار اختلال می گردن که از این حیث لطمات زیادی به فرد و خانواده وابسته به وی و در نهایت به جامعه وارد می گردد. با توجه به عدم وضع قوانین مصوب نسبت به موضوع ملاحظه می گردد که متأسفانه فقه و قانون همگام با پیشرفت های علم، پیشرفت نمی کنند و نتیجتاً بسیاری از موضوعات مستحدث (نویدا) در جامعه مطرح است که با خلا قانونی مواجه است که نسبت به این موضوعات افراد در مورد حقوق و تکالیفشان سردرگم هستند و اینجاست که جایگاه فقه پویا شدیداً حس می شود که در ارتقاع چنین مشکلاتی نقش حیاتی دارد.

۵- و نهایت شایسته به نظر می رسد که کشور ما نیز همقدم با سایر کشورها در این زمینه قوانینی را برای ارتقاع معضل موضوع تغییر جنسیت علل الخصوص خنثی روانی تصویب نماید تا از انتقادات دشمنان اسلام مبنی بر اینکه موضوعات مستحدثه در اسلام بلا تکلیف مانده است مصون بماند. و در نتیجه کلی میتوان چنین گفت جامعه جهانی در پناه حقوق بشر از آن اسب بدبینی و مذمت راجع به تغییر جنسیت پیاده شده اند و این افراد را جز اقشار جامعه که درگیر بیماری خاص هستند میبینند، و از جمله این کشورها انگلستان، سوئیس، آمریکا ترکیه... هستند که قوانین ممنوعیت تغییر جنسیت خود را نسخ و قوانین جدید با مد نظر قرار دادن حقوق بشر تدوین نموده اند که این افراد (ترنسها) از این مزایا بهره مند شوند. به امید روزی که هیچ موجودی از موجودات جهان علل الخصوص انسانها متحمل هیچ دردی نباشند.



منابع:

۱. امامی سید اسد الله (۱۳۹۲)، مطالعه تطبیقی نسب و تغییر جنسیت در حقوق ایران و فرانسه، نشر میزان، چاپ اول، صفحه ۵۱۴-۵۱۶.
۲. جرجانی، سیدالوالفحیح، با توضیحات میزا ولی الله، تفسیر شاهی در دو جلد، تبریز چاپ شفق سال ۱۳۸۰ هجری
۳. جهانگیری، محسن (۱۳۸۸)، بررسی تمایزهای فقهی زن و مرد، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ دوم شماره ۲۴۳
۴. حائری، و ابراهیمی، ۱۳۷۷ حق سرپرستی و نگهداری کودک (حضانت)، مجله فقه (کاوشی نو در فقه اسلامی) شماره ۱۳۴.
۵. حجازی، آریا و دیگران (۱۳۸۷)، بررسی میزان تطابق نقس و هویت جنسی ۱۲ بیمار ترنس سکشوال با جنسیت جدیدشان پس از عمل جراحی تغییر جنسیت، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان، دوره سیزدهم، شماره ۷۹
۶. حسن زاده نظرآبادی، محمد (۱۳۸۳)، هرمافرودیسیم حقیقی (دوجنسی)، مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه های اسلام در پزشکی جلد ۲
۷. حسینی، السید صادق (۱۴۲۷.ق)، المسائل الطیبه، یاس الزهرا
۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۸)، لغت نامه دهخدا، (لوح فشرده) مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران
۹. رئیسی، فیروزه، ناصحی، عباسعلی (۱۳۸۳)، اختلال هویت جنسی، انتشارات صدا، چاپ اول
۱۰. سبحانی، جعفر (۱۳۹۱)، تغییر جنسیت از دیدگاه فقه اسلامی، فقه اهل بیت (فارسی)، شماره ۶۹
۱۱. صدر، السید محمد، (۱۴۲۲)، منهج الصالحین، جلد ۳، دارالاضواء شماره ۶۴۴
۱۲. صدر، ۱۹۹۶ السید محمد (۱۹۹۶م)، ماوراء الفقه، جلد ۶، دارالاضواء، شماره
۱۳. صناعی، سعید، فصیحی زاده، علیرضا (۱۳۹۱)، تغییر جنسیت و آثار فقهی - حقوق آن بر روابط زوجین، فقه و حقوق خانواده، (ندای صادق)، دوره ۱۷، شماره ۵.
۱۴. فتاحی، سید الحسن (۱۳۸۰)، مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه های اسلامی در پزشکی جلد ۲، دانشگاه علوم پزشکی مشهد.
۱۵. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۵)، حقوق مدنی خانواده، جلد ۱، شرکت سهامی انتشار، چاپ هفتم صفحه ۲۰.
۱۶. موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۶)، بررسی فقهی حقوقی تغییر جنسیت با رویکردی بر نظر حضرت امام خمینی، پژوهش نامه متین، شماره ۲۲.